

می‌زدی خون‌شان در نمی‌آمد. بعضی از آنها عین پاسبان‌ها شب را تا صبح در سرسرای هتل می‌نشستند و خواب را بر خود حرام می‌کردند و مواظب بودند که گوش شکسته‌ها دست از پا خطا نکنند اما در میان تمام آنها تنها کسی که دست از پا خطا نمی‌کرد و سر به زیر و محجوب فقط در اتاق خود می‌پلکید آقا تختی بود. سر ساعت ۷ بعد از ظهر از غذاخوری اردو بیرون می‌آمد و همچون طفلان سر به زیر که از شلتاق کردن و بازی منع شده‌اند مستقیم به اتاق ۸۸۳ می‌رفت. برای همین چیزهایش بود که آقا بلور هر وقت که این شاگرد وفادار و گناه‌گریزش را می‌دید قند نوی دلش آب می‌شد و به خبرنگار کیهان ورزشی می‌گفت: «پهلوان یعنی این. ببین یه پارچه آقاس. روی خیابون رو ندیده اما هم‌تیمی‌هاش دائم ولو هستند توی پیاده‌روها.» غلامرضا با وجود آنکه قهرمان المپیک و جهان بود هیچ‌وقت مقررات اردو را نمی‌شکست و در خیابان کینز آفتابی نمی‌شد. صبح وزن‌کشی می‌کرد و بعد سرش را با تمریناتش گرم می‌کرد و ساعت هفت شب توی اتاقش نشسته بود عین بچه محصلی که از آقاجانش حساب برد و بالای درس و مشقش باشد. برای همین دست و دل پاک‌ی‌اش بود که می‌گفتند این موجود، آدمیزاد نیست. غریزه ندارد. گناه نمی‌فهمد.

آن آقا تختی البته تیکه‌های استثنایی خودش را هم داشت. از روز اول برای اینکه مزاحمتی برای هم‌تیمی‌های بی‌نمازش به وجود نیاید به اکبر حیدری سپرده بود که عمو حیدر وقتی صبح برای نماز بلند می‌شی، شست می‌پوی اون‌هایی را که نماز می‌خونن بکش، تا آروم از خواب پاشن و سر و صدا راه نندازن که بقیه بچه‌ها به خاطر نماز با مدخواب بشن. آن روزها یکی از کشتی‌گیران تیم که اهل نماز نبود به عمو اکبر گفته بود شما واسه چی نماز می‌خونید؟ اکبر گفته بود هیچی داش، ما با نمازمون از خدا کمک می‌طلبیم و از لحاظ روحی شارژ می‌شیم بلکه در مسابقات هم بهتر ظاهر شیم. طرف گفته بود پس اگه ربطی به کشتی‌ها داره، بی‌رحمت من را هم صدا کنین تا مثل شما نماز بخونم. روز آخر المپیک که اکبر برنز گرفته و تختی چهارم شده بود بچه‌ها باز صبح روز آخر برای نماز بلند شده بودند، باز طبق معمول عمو اکبر

روز اول المپیک که بچه‌ها وارد کمپ ورزشی توکیو شدند اکبر

حیدری که اولین سفر المپیک‌ی‌اش را تجربه می‌کرد رفته بود سه تا از دوچرخه‌هایی را که برای استفاده ورزشکاران دم در کمپ گذاشته بودند تا برای رفت و آمد و خرید از آنها استفاده کنند کشان کشان برداشته بود آورده بود توی اتاق هتل! لابد پیش خودش گفته بود نکنه دوچرخه‌ها تمام بشه و به ما چیزی نماسه؟ وقتی تختی جریان را فهمید گفت: «عمو حیدر! اینها را ببر بذار سرجاش. اونقدر دوچرخه هست که برای کسی کم نمی‌آد.»

سکوره بندی کشتی آزاد وزن اول (۵۲ کیلوگرم) المپیک ۱۹۶۴ توکیو در تالار کومازاوا، دوشنبه ۲۰ مهر ۱۳۴۳: یوشی ماتسویوشیدا (طلا) کره جنوبی - چانگ چانگ سون (نقره) کره جنوبی - علی اکبر حیدری (ایران) برنز

شست پای نمازخون‌ها را کشیده بود اما آن هم‌تیمی که تازه نمازخون شده بود به محض پا شدن از خواب بهشان گفته بود مگه مسابقات تموم نشده؟ پس دیگه چرا دوباره نماز می‌خوین! غلام با شنیدن این حرف، آنقدر ریسه رفته بود که شکمش درد گرفته بود. حتی سر میز صبحانه هم می‌خندید. هی حرف هم‌تیمی‌اش را تکرار می‌کرد که یارو می‌گه کشتی‌ها تموم شده، دیگه نماز واسه چی؟ قاه‌قاه می‌خندید و چشم‌هایش مورب می‌شد.

این دومین خنده از ته دل آقا تختی بود. بار اول در روز اول رسیدن به توکیو بود که شکمش را گرفت و قهقهه مردانه‌ای سر داد. روز اول المپیک که بچه‌ها وارد کمپ ورزشی توکیو شدند اکبر حیدری که اولین سفر المپیک‌ی‌اش را تجربه می‌کرد رفته بود سه تا از دوچرخه‌هایی را که برای استفاده ورزشکاران دم در کمپ گذاشته بودند تا برای رفت و آمد و خرید از آنها استفاده کنند کشان کشان برداشته بود آورده بود توی اتاق هتل! لابد پیش خودش گفته بود نکنه دوچرخه‌ها تمام بشه و به ما چیزی نماسه؟ وقتی تختی جریان را فهمید گفت: «عمو حیدر! اینها را ببر بذار سرجاش. اونقدر دوچرخه هست که برای کسی کم نمی‌آد.»

غلامرضا وقتی در توکیو چهارم شد. همه تیم چشمش به او بود که سردار کاروان بود. بعد از این باخت بود که روحیه بچه‌ها از دست رفت. حال غلامرضا آنقدر بد بود که شب‌ها از خواب می‌پرید و هم‌ه‌اش توی جایش می‌نشست و می‌گفت خدایا جواب مردم را چطور بدهم؟ جواب پیرزن‌های دوک‌ریس. جواب‌شان را چه بدهم؟ او از فرط شرم و خجالت، به همراه تیم به تهران برگشت و آنجا یک هفته‌ای ماند تا آب‌ها از آسیاب بیفتند. او در بی‌خبری تمام به تهران برگشت. یک زندان انفرادی می‌خواست که بنشیند در آن و با مردمش که هی در پی‌اش چاکرم نوکرم می‌گفتند چشم تو چشم نشود.

ایران از کشورهایی بود که افتخار داشت ۲۷ روز قبل از افتتاح بازی‌ها میزبان مشعل المپیک باشد. مشعلی که برای اولین بار در مسیر حرکت ۵۱ روزه‌اش از

کوه‌های المپیا در آتن تا مقصد ورزشگاه ملی ژاپن در توکیو، از تهران نیز عبور کند و شعله‌های مقدس المپیک هجدهم چیزی حدود پانزده ساعت در پایتخت ایران پر بکشد. کیهان ورزشی در شماره هفت شهریور ۱۳۴۳ نوشت: «بعد از ظهر نسبتاً گرم روز چهارشنبه چهارم شهریور ماه فرودگاه بزرگ شهر تهران برای ساعاتی بسیار زیبا و تماشایی شده بود چرا که در محل استقرار هواپیمای ژاپنی -حامل شعله مشعل المپیک- دو گروه پنج نفری از سوارکاران باشگاه چوگان با لباس‌های چشم‌نواز آبی و سپید، سوار بر اسب‌هایی باشکوه و زیبا با رنگ‌های هماهنگ سپید و سیاه که از نمدهای سرخ و سبز -هماهنگ با پرچم ایران- پوشیده شده بود به انتظار ایستاده بودند. جنب باند پرواز فرودگاه ۱۴ دستگاه اتومبیل جیب که هر یک با نام یک قهرمان ورزشی ایران مشخص شده بود قرار داشت و نخستین آنها نیز نام غلامرضا تختی قهرمان نامدار کشتی المپیک را بر خود داشت. نکته قابل توجه حضور جمعیت کثیری از مستقبلین بود که به مراسم استقبال شور و هیجان دوچندانی می‌بخشید. ساعت ۱۷ و ۲۰ دقیقه بعدازظهر هواپیمای خطوط هوایی ژاپن که روی آن با حروف درشت عبارت ویژه حمل مشعل المپیک درج شده بود بر روی باند فرودگاه مهرآباد نشست و بلافاصله چند عکاس و فیلمبردار روی پلکان خروج حضور یافته و مشغول فیلمبرداری و عکاسی شدند. سرانجام انتظارها به پایان رسید و شعله‌های نمادین مشعل المپیک که از کوه‌های المپیا در آتن برافروخته شده بود در تهران نمایان شد و جمعیت کثیری که ساعت‌ها جهت مشاهده آن به انتظار ایستاده بودند از تماشای آن سرشار از سرور و شادمانی شدند چرا که این نخستین بار بود که مشعل المپیک به قاره آسیا می‌آمد و در مسیر حرکت از تهران عبور می‌نمود. ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه تمام یازده تن مسافران داخل هواپیما -هیأت حامل شعله مقدس- و ۲۲ خبرنگار و عکاس جملگی به دنبال آقای تاکاشیما -سرپرست سازمان حمل مشعل که چراغ کوچکی همانند فانوس در دست داشت از هواپیما خارج شدند. چراغ مذکور در کوه المپیا با شعله مقدس روشن شده و با آتش همان چراغ تمام مشعل‌های بین راه

توقف بعدی آن پس از تهران، شهر لاهور بود. سپس امیر امین دبیرکل کمیته ملی المپیک خطاب به آقای تاکاشیما و هیأت همراه اظهار تبریک و آرزوی موفقیت کرد.

آنگاه طی مراسم و تشریفاتی خاص مشعل با شعله‌هایی از آتش مقدس افروخته شد و ابتدا به آقای امین و سپس به رئیس فدراسیون دوومیدانی ایران داده شد و او نیز آن را به قهرمان دوومیدانی ایران گلوردی پیمانی داد تا او مشعل حامل شعله المپیک را در کیلومترهای نخست به سوی تهران حمل نماید. این مشعل در حالی از فرودگاه مهرآباد به سوی ورزشگاه فرح توسط قهرمانان دوومیدانی ایران به صورت پیاپی حمل شد که در تمامی مسیر توسط اتومبیل‌های روباز و موتورسیکلت‌های پلیس و شهرپایی اسکورت شده بود و پیشاپیش گروه نیز یک اتومبیل روباز حامل خبرنگاران و عکاسان جهت تهیه گزارش و رپرتاژ قرار داشت. پشت سر آنها نیز دوندۀ حامل مشعل می‌دوید و در طرفین او دو گروه دوندۀ قرار داشت و به دنبال آن سوارکاران باشگاه چوگان و سپس اتومبیل‌های حامل قهرمانان کشتی،



طی دیدار تیم ملی ایران و مکزیک در المپیک ۱۹۶۴ توکیو، ناگهان حفره بزرگی در میانه میدان به وجود آمد که مسئولین ژاپنی در این تصویر مشغول مرمت آن هستند. در این تصویر داور مسابقه مشغول بررسی این حفره ما است و حسن حبیبی و نادر لطیفی (نفرات سفیدپوش) از تیم ملی ایران دیده می‌شوند.



مشعل هیجدهمین دوره بازیهای المپیک خاموش شد و هزاران تن در زیر باران فریاد زدند :

((سایو نار ا)) : وعده دیدار در سال ۱۹۶۸ در مکزیک

در این رپرتاژ مشروح جریان پایان هیجدهمین دوره بازیهای المپیک و جدول کامل مدالهای همه کشورهای مطالعه می‌کنید .

● **۳۳ رکورد**

آمریکانها برخلاف انتظار دربوکس شکست خوردند وفقطر سنگین‌وزن بدریافت مدال طلا موفق شدند . روسها در این ورزشی سه‌مدال طلا داشتند .

روسیا در وزنه برداری،خوشبختانه بود و لاسف قهرمان سنگین‌وزن آنها مقام اولی را بنفع یك‌هوشش بنام «لئونید زابوئینسکی» از دست داد .

«چودو» برای اولین بار و حتما هم برای آخرین باردر شمار بازیهای المپیک فراد گرفت و دقان ژاپنی ها بترتی خودرا نشان دادند .

ولی تهران همه وزنها یکنفرمنند و بود . توضیح آنکه قهرمانان چودو در چهار وزن جداگانه انتخاب شدند

سه نفر آنها ژاپنی بودند و دریک وزن سنگین هلندی برنده شد

در مسابقه فوئبال نیز مجارستان برانجی . شوروی را شکستداد واول شد .

برجسته‌ترین قهرمان بازیهای المپیک توکیو شتار ۱۸ ساله و مو طلای آمریکائی بنام دون شولاندر بودوی

برنده مدال طلای مسابقات و شتای صدمتر و چهار صد متر شد و عضو تیم امریکا بودکه مسابقات چهار در صد متر و چهار در دویست متر را

برده بود .

شتالوان آمریکائی بسیار خوب درشت‌خنده . نیم‌مردان شتار امریکا

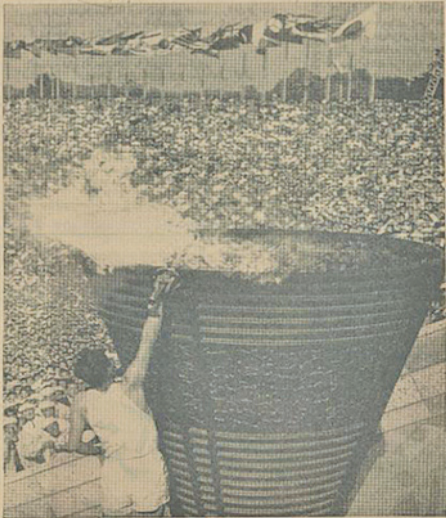
۹ مدال از ۱۲ مدال طلا را بنیست آورد و سه‌مدال برنز

گرفت . نیم زنان شتار امریکا ۷

مدال از ۱۰مدال طلا را حرفتیاضافه

مدال نقره و۱۶ مدال برنز شتالوان

استرالیا مقام پنجم را داشتند



ژاپنی «سابونارا» یعنی «خداه‌الطاف» نقش شد . وفوزران زن قهرمان و نمایشچی فریاد زدند «سابونارا» . و سپس بهمن ترتیب نام مرکز بازی‌وی برده آمد که برقرار کننده المپیک بودند میبانشند . وتماماحیان یکصدتا یاتک برآوردند وعده دیدار در مکزیک

بران و هوای سرد چیزی ازهیجان مردم نکاشته بود ودراین حالیک دوندۀ سایه‌بوست که لباس سپیدی برن داشت پای برهنه وارد بیست شد . دراین موقع چنان نظم میدان بره بخورده بودکه بلندگوها فریاد ورزشکاران ومامورین انتظامی را بهحفظ نظم دعوت میکردند .

در روی چمن

بی نظمی دلپسندی حکمفرما بود و هزاران تماشاچی دستمالهای سفید خود را حرکت میدادند .

در این موقع که هوا تپیه تاریک شده بود بر روی سه دکل که از دیگر دکل ها بلندتر بودند ترتیب پرچم کشور های یونان (مهد المپیک)، ژاپن (برقرار کننده مسابقه ها) و مکزیک (میزبانان دوازدهمین المپیک) بالا رفت و سرود می آنها نواخته شد .

داوری براندرج، نطق اختتامیه را

بدین شرح ایراد کرد :

بنام کمیته بین‌المللی المپیک بعد ازتقدیرسپاسی فراوان بامیراتور عظیم‌الشان ، ملت ژاپن ، مسئولین شهر توکیو و کمیته اداره کننده‌یایان هیجدهمین دوره مسابقات المپیک را اعلام میدارم . سخنان براندرج به زبانهای انگلیسی و فرانسه روی یک تابلوی نورانی نقل میگردد . سپس پرچم المپیک که از ۱۵دروز پیش برقرار پرچی در اهتزاز بود باین آورده شد .

کردند . در این موقع در روی یک تابلوی عظیم با حروف نورانی کلمه

آمدند سرود شادی از نهمین سننی

بنهون نواخته میشد .

سپس دختران مدرسه ژیمناستیک

ژاپن با مشعل هایشان یک دایره

نورانی عظیم در اطراف چمن درشت

آتشه میبانشند . وتماماحیان یکصدتا

یاتک برآوردند وعده دیدار در مکزیک

برای دریافت مدالهایشان بهمدیان

میکریند .

ساعت ۱۱و۵۰ صبح روز شنبه (دروژ) بوقت تهران (ساعت پنج‌بعد از ظهر بوقت توکیو)هیجدهمین دوره جدید بازیهای المپیک پایان یافت . در این ساعت یک ازکستر بزرگ دراستادیم ملی توکیو مشغول نواختن بود . هنگامیکه امیراتور میرمیتو وهمشرش وارد جایگاه سلطنتی‌شدند ازکستر سرود ملی

ژاپن را نواخت وبعده درچین‌ورود هیئت‌های نمایندهای کشور های شرکت کننده بنواختن

مارش ها مختلف مشغول گردید . کشور ها فقط پرچمداران خود را برای دژه فرستاده بودند و درود آنها بترتیب حروف الفبای زبان انگلیسی اسم کشور شان انجام‌گرددند . در حین انجام دژه باران درژی میبارید .

ندراین موقع «لاوری براندرج»ارئیس

کمیته بین‌المللی المپیک طی نطقی

یایان بازیهای المپیکرااعلام‌داشت ،

ومشعل المپیک خاموش شد .

«دون شولاندر» ستاره بازیهای

المپیک و شتار ۱۸ ساله آمریکائی

که چهارمدال‌طلاگرفته است پرچمدار

ورزشکاران آمریکائی بود .

پلافاسنه بعد از ورود آخرین

پرچمدار که پرچم ژاپن را بدست

داشت هزاران نفر از قهرمانها و

شرکت کنندگان در المپیک باین‌نظمی

شادابیختی وارد میدان شدند

دراین موقع ۷۵ هزار نفر تماشاچی

بیشدت برای این عده ابرازاحساسات

میکریند .